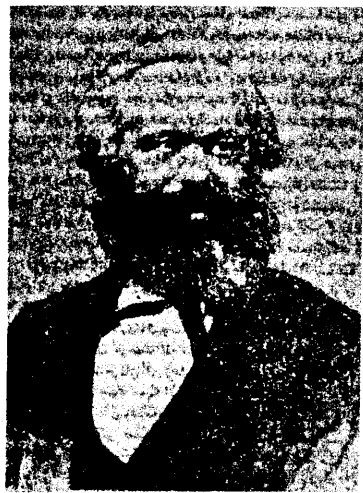


پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران



کارل مارکس

(به مناسبت ۱۶۰ امین سال تولد)

پنجم ماه مه (۱۵ اردیبهشت) صد و شصتین سالروز تولد کارل مارکس، بنیانگذار کمونیسم علمی، فلسفه ماتریالیسم و بالکنیک تاریخی و اقتصاد سیاسی علمی، پیترو و آنژگارگو پرولاتاریای جهان است. کارل مارکس در ۱۸۱۸ در شهر ترییر (شهر ترییر) حومه ولسن پروس) به دنیا آمد. پدرش وکیل دادگستری و بهبودی‌جو بود (۱۸۲۳-۱۸۱۸ مذهب پروتستان در آمد. خانواده مارکس مرفه چاهرنگ بود ولسی انقلابی نبود. مارکس در سه متوسطه وادریه به پایان رسانید و حقوق صحنه از همه تاریخ و فلسفه برداشت. در ۱۸۴۱ پایان نسانه دانشگاهی خود را در برار فلسفه ایپکو روش و تاریخ تحصیل شد. در آن زمان مارکس از نظر مقدماتی هنوز هگل گرا بود و الهیست بود. و بعد برلین به منتقل هگل گرا با نام "جیب" (و پروتیا ژورنال برلین) که می نوشتند از فلسفه هگل نتایج آتی اجتماعی و انقلابی می گویند، بنزد پیکر شد.

مارکس پس از پایان تحصیل دانشگاهی به برلین رفت و همان قصد که استاد دانشگاه شود. اما سیاست اجتماعی دولت - که در سال ۱۸۴۲ کرسی استادی را از او و یک نویسنده گرفت. در ۱۸۴۶ برای بار دوم او را به دانشگاه راه نداد. در ۱۸۴۱ از پروس و جوان پروتیا و او را حق عدل رسا طلب نمود. مارکس جوان اراد داشت تا از کار در دانشگاه دست ببرد. در این هنگام نظرات هگل گرا با نام "جیب" در میان سرعت تکاملی یافت. او دو ویک نویسنده به ویژه از سال ۱۸۴۶ انتشارات الهیات را آغاز کرد که ماتریالیسمی آورد که در ۱۸۴۱ نظریه سلطه اوست ("ماهیت سیمپت")؛ در ۱۸۴۳ اثر دیگر با نام "اسلام بنیادی و فلسفه آئیده" انتشارات. بعد ها انگلس در مقاله "آینستار نویسنده نوشت: "می باحت تاثیر رهایی بخش این کتابها را روی پوست و گوشت خود احساس کرد. (ما) مغز هگل گرا با نام چپو از حلقه مارکس است) بلافاصله نویسنده گرد شد. در این زمان پروتیا را در بکال راین، که معمول ششتر با هگل گرا با نام "جیب" داشتند، روزنامه پروتیا میسوس به نام "روزنامه راین" گرد گن نامش کرد. (اولین شماره آن اول ژانویه ۱۸۴۲ انتشار یافت) و از مارکس میروید و اثر به عنوان همکاران اصلی دولت نبودند. در اکتبر ۱۸۴۲: مارکس پروتیا میسوس بنام "جیب" آمد. روزنامه به هنگام سردبیری مارکس، بیشتر و نامتوسر سمت انقلابی - دموکراتیک گرفت. دولت نخست روزنامه را زیر سانسور دوسه باره قرارداد و سپس تصمیم گرفت که از اول ژانویه ۱۸۴۳ اصول آن را تعطیل کند. مارکس میخواست قبل از سررسید این مهلت از سرود پروتیا کار خود، اما کاره گوی مارکس نیز روزنامه را نجات نداد. در مارس ۱۸۴۳ آن را تعطیل کردند. از بهترین مقالات مارکس در روزنامه "راین" ... انگلسی مالمی مربوط به موضوع دقتان انگلس گاردره روزنامه نیز ذکر می کند. کار روزنامه نگاری مارکس را متوجه کرد که با اقتصاد سیاسی به حد کافی آشنایی نداشت. و لذا به طوری به مطالعه آن همت گماشت.

تاله در صفحه ۲

سیاست در جهان نیمه قرن می کند. رژیم با ایجاد دستگاه مخوف جاسوسی ساوان پایه کاربرگ شویه های نامحسوس شکمه و کشتار و ایجاد محیط اختناق آور کین شاهنشاهی و با حال کردن توانی مخفی و تقاضای مسلط کردن درگاه های حاکمانه نظامی و تجاری و روحانی به جان و مال و ناموس مردم، استبداد سیاسی را به حد اعلا می رساند. سیاست خبیث ملی و تبعیضات ضد ایرانیست ها، به ویژه ایرانیان آمریکا، در جهان و در منطقه تپید ملی ایران به مرکز تجمع بیش از ۱۰ هزار ایرانی و احساس استقلال طلبی و میهن پرستی قاطبه مردم ایران را به سختی جریحه دار می کند. در تاریخ معاصر ایران برای کشور و مردم آن چنین دوران پر رنج و سختی کم نظیر است. تحولات جهان امروز: تقسیم تناسب نیروها به زبان امپریالیسم و ارتجاع، شکستگی و قدرت روزافزون کشورهای سوسیالیستی، بحران حقیقی های انقلابی برهمن بخش، یکی از عوامل است که امید مردم را به امکان غلبه بر ارتجاع داخلی نفی کرده است. پیروزی های درخشان خلق و پیمان، پیروزی جنبش های رهایی بخش مائستیم در بر خال پیمان، اسپانیا، پیروزی جنبش توده ای در حیشه، از جمله حوادثی است که نمودار این واقعیت است که خلقها قادرند مبارزه مترقی خود را با موفقیت تری کنند. شاه در سالهای اخیر کوشیده است با ایجاد حزب نسیه فاشیستی "رستاخیز" عنوان حزب "مراگولت" مناقشات درونی رژیم را ستور و مصلح صبیق خود را با مردم پنهان سازد و تمام شاهنشاهی را انقلاب "از هاسی خود را با مردم پنهان نماید. ولی تلاش های رژیم عبت ماند. ناخشنودی و وسیع مردم که در آن کارگران و دستمندان شهر و ده، خرد و بیروزی، دانشمندان و روشنفکران، بخش های از نیروهای مسلح، بیروزی ملی، روحانیون آزاد چوچه شرکت دارند آغاز بروز گردید. اعتراضات متعدد و گستران در سالهای اخیر و اعتراضات دانشگاهی همراه با تظاهرات ضد رژیم که "سنگ" تعطیل بسیاری از دانشگاهها می شود شد، ماهه های سرگشته و انتقاد و اعتراض از جانب روحانیون، نویسندگان، تصاویر و ادگستری و روشنفکران از حقوق بشر، معاهدات و مسیح و روشنفکران در شب های شعر و رویداد اخوانی کم، جنبش وسیع مردم تیز و جنبش های اخیر جنبش از چهل شهر و شهرک ایران هرگونه تلاش شاه را برای باز کردن رژیم خود به عنوان رژیم که گویا مورد تکیه اکثریت مردم است با شکست فاش روبرو ساخت. مردم دلا و میهن پرست و شهنشه آزادی کشور با با شعار جان خود، با سرد دلا و رنج بی امان خود نشان دادند که از رژیم سیه دیکتاتوری محمد رضا شاه متنفر و خوار نیستند اما اختناق امپریزم عد ملی و ضد بزرگان و استغفار بله حکومت ملی و آزاد پنجاه هستند. این حقیقت است که امپریزدهانه تنها در ایران، بلکه در جهان انعکاس یافته و نشان داده است که چه اندازه مواد انفجاری در "جزیره شیات" متراکم شده و چقدر از لاف و کرافت شاه در باره رژیمش بی بهره است. رژیم استبدادی محمد رضا شاه در افراسیاد عد ملی، ضد خلقی و ضد بزرگان انقلابیست. این رژیم اسیر کننده خلق های ایران است. به همین جهت در جنبش گسترده مردم همه این جهات متفرق رژیم نظارت ناپذیر در هندگان به شدت محکوم می شود. جنبش بزرگ مردم، محمد رضا شاه را منظر تمام خنایات و خیانت های سالهای اخیر می داند و خواستار سقوط دیکتاتوری این حاکمان است. شکی نیست که در جهان وسیع کوشی گرا پیش های مختلفی وجود دارد. سازشکاران با ماینداد ستارگهای غیر اساسی در اجیرزم، آن را کماکان نگه دارند. ولی مردم می توانند که بحاط امپریزم ضد ملی و ضد بزرگان بر جبهه خود بکنند و رسماً شده برانداخته شود و پیروزی ملی و آزادی حواء، برای نجات میسر، گرد آید که رژیم موجود خود را در آن افکند است. بر سر کار آید. این خواست را حزب ما سالهاست مطرح کرده و در راه آن مبارزه می کند. شرط اساسی نطق به این هدف، احترام از سازشکاری، و عدت عمل نیروها و مبارزه با آنها است. محمد رضا شاه و رژیمش پس از یک سلسله موافقین هاسی فاسدی و اعلام دروغین قطع شکمه و سانسور "براهمنی" کردن روند امرونی جنبش مردم، به شیوه های متنی نامحسوس خود برای سرکوب نهادهای مردمی، برده، احترام عام جناح های اصلاح پس، راجع و حزب

صفحه ۲

هم میمان عزیز! اکنون بد نیست است در کشور ما جنبش ریشه داری ملی و رژیم استبدادی محمد رضا شاه به منظور برانداختن این دیکتاتوری سیه آغاز شده است. این جنبش ملی ما هیا هفته های اخیر گسترش بی سابقه یافته و در هیا شهر و شهرک کشور ما از جنوب تا شمال، از شرق تا غرب کشور فراگرفته است. به حرات می توان گفت که این جنبش از بزرگترین جنبش های تاریخ معاصر کشور است و اکنون ما با پایداری و در امور مبارزه ضد استبدادی مردم ایران روبرو هستیم که می تواند در صورت ادامه و صهارت و سرخستی در مبارزه، به نتایج مهمی در زندگی سیاسی کشور منجر شود. و بساط استبداد را در میهن مسما بر چینه و راهبرای پیروفت جامعه ما به سوی پیش بگشاید. چه خلقی با منشد ماست در کشوری که شاه آن را لای زناش "جزیره شیات" نام داده است، جنبشی با چنین دامنه و گوند ۱۲ این حرمان معلول یک سلسله علل اقتصادی و سیاسی است. در سالهای اخیر ملی و رفاه در آمد صدم بی سابقه نعت، وضع اقتصادی کشور بیش از پیش به وجامتگرانه و با ناسامی ها و مشکلات زندگی در ورزیه های گردان روز گرد ما سنگ تنه سیاست وابسته گردن اقتصاد کشور به اقتصاد امپریالیستی و فاشیستی می رسد. امپریالیسم و تاراجگران داخلی و فشار دستگاه دولتی و اداری است. گرد آشتن ثروت ملی نفت و تعیین سبای آن در اختیار انحصارهای بعضی امپریالیستی گران شد و این کالا ها را صنایع کشاورزی و اداری و سیاست خاقتان رژیم در مورد راگ گردارتن سبای نفت و اختصاصی بخش کلانی از درآمد نفت به خرید گرانترین انواع اسلحه غیر لازم و عدیل ایران به انبار اسلحه امپریالیسم بدانجا کشید که کشوری که یکی از بزرگترین تولید کنندگان نفت در جهان است، اکنون دچار کمبود نفت شده است. به فرقه خارجی میسوس می شود! رژیم با قبول نقش شرم آورانه در منطقه به یکی از امزراهای امپریالیستی برای سرکوب سیمت های آزادی بخش بدل شده است. در بازار داخلی ایران کمبود مواد و حکومت - تخوم روز امرونی باعث گران شدن سبای و توان بر برای ما محتاج اولیه زندگی است. مستقیم باوری زمین و سبای حواری میدان طفیلی گری و سیمین برای فاشیست های اختناق باز کرده است. رشته های مختلف صنایع داخلی مادر اشتر رقابت خود کرده و سرما به امپریالیستی میسوس شده است به مراتب کمتر از ظرفیت خود تولید کند. در دنیا با انواع سیاست های اختناق و مالیاتی و انعام اختیارات و برگردت فاشیست گران داخلی پیرام آنها، خانواده سلطنتی و فاشیست های امپریالیستی را نگارنده کرده است. با بحران اقتصادی بر روش دستمندان و قشرهای گوناگون پهنه ایران و کشمه و سرما به اران کوچک شهر و ده فرار دارد. قدرت خرید کارگران و دیگر دستمندان و حقوق بگوان مرتجا کاهش می یابد. آمونیزان و دیگر کارمندان کوچک متوسط موسسات دولتی و خصوصی در چار مشکلات متعدد زندگی هستند. بیروزی کوچک و خرد و بیروزی در نتیجه رقابت خود کشنده کالا های خارجی سیاست و اختناق ده های باز و محدود بودن بازار مصرف و فشار بار مالیاتی و تعدد با ت ساواک در چار گرفتاری های متعدد می شده و جان آند اند. در اثر سیاست اقتصادی خاقتان رژیم - سرما به داری ملی ایران در خیال رقابت سرما به های خارجی وصال ایرانی آنها کمرش خنجه شده است. سختی خاطر بند است. حتی جنبش آزادی به اران بزرگ به ویژه جنبش که با تولید داخلی سرورگرا در در رقابت امپریالیستی احساس می کند از سیاست اقتصادی و فاشیستی در بار وصالش ناراضی است. در اولیای شاه و پیرام آن خانواده سلطنتی و گروه اسبه والا حضرت ها و دولت گهر ها و قشرهای وابسته به اس خاندان، زندگی سر با انگلسو مادی را می گذراند و برای ادامه این زندگی را هیچ حنا بی نمی رسند و هر گونه اعتراض و مقاومت را در پناه "مراد می شاهنشاهی" به دست شکمه بگیرد و زخمی در جنبش ساواک میماند تا نود می کند. سیاست ستار و تعیین و تزیر و اختناق در سالهای اخیر مرتب شده بد شده است. کار استبداد محضی شاه و داوری مرفه اوسه حاسی رسید که حتی از حد تحمل افرادی که در آغاز به امپریزم با نظر نمی نگریستند، به مراتب بالا تر رفته است. شاه گینه ترهت نسبت های قرون وسطایی به سلفان مستبد را با همه تحملات میسوس با به حساب میبندد. اما "حیا" کرده و نه فقط فزای می گانه راد در دستهای عینکار حویب شکر ساخته، به فقط با میل است یکی از بزرگترین سرما به اران جهان باشد، به مقصد به قول خسرو زند گیش ماند "روای طلاس" می گردد. بنگ خود، امپریالیست متکسوس

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!